

# دربارهٔ ریشهٔ زبان هندی، سومری و عیلامی

الکساندر کوندراتوف

ترجمه: دکتر عبدالکریم قریب

باستانشناسان در میان صدها مهرهای استوانه‌ای که در بین‌النهرین به دست آمده است، بعضی را یافته‌اند که چهار گوش بوده و به وسیلهٔ هندی‌ها ساخته شده‌اند. این موضوع می‌رساند که میان این دو تمدن باستانی تماس‌هایی وجود داشته است. در سال‌های ۱۹۰۶، توقفگاه بزرگی برای کشتی‌ها، در راهی که بین‌النهرین را به هندوستان می‌پیوندد، کشف کرده‌اند. این توقفگاه، جزیرهٔ بحرین است که در خلیج فارس واقع است. چندین هزار سال، از شکوفایی فرهنگی می‌گذرد که در این جا آثار تمدن سومری و پیش‌هندی را به هم می‌پیوندد. از دیر زمان، این جزیره ناظر تغییراتی فرهنگی و بازرگانی بوده است که بر اثر آن، تمدن سومری روی تمدن پیش‌هندی و تمدن پیش‌هندی بر تمدن سومری تأثیر گذاشته است.

در شهر سومری اور<sup>۱</sup>، گروهی از خانه‌های آجری را کشف کرده‌اند که به حسب نظر جان مارشال<sup>۲</sup>، باستانشناس انگلیسی، وضع استثنایی قابل توجهی را عموماً نشان می‌دهند. در عوض، خانه‌های مزبور به طور شایان توجهی، خانه‌های کوچی را که از روی بی‌دقتی، در دورهٔ بعد از موهنجو-دارو<sup>۳</sup> ساخته شده‌اند، به خاطر می‌آورند و مشکل است دربارهٔ تأثیری که بر ساختمان آن‌ها داشته است، تردید نمود. این تأثیر در مذهب نیز آشکار می‌باشد. باستانشناسان دریکی از گورهای شهر اور، مجسمهٔ کوچکی را که میمون چمبانمه‌زده‌ای را نشان می‌دهد کشف کرده‌اند. این مجسمهٔ کوچک، مجسمه-های میمون‌هایی است که در موهنجو-دارو یافته‌اند (بنابر هرگونه احتمالی، به عنوان نمونهٔ اولیهٔ هانومان<sup>۴</sup>، به کار می‌رفته‌اند). س. دیکشیت<sup>۵</sup>، باستانشناس هندی، معتقد است که در دنیای باستان، میمونی را که به وسیلهٔ مجسمه نمایش می‌دادند، از طرف هندی‌ها مورد احترام و تقدیس بوده است. بنابراین می‌توان فرض کرد که در عصر برونز،

- 1- Ur,
- 2- John Marshall,
- 3- Mohenjo-Daro,
- 4- Hanuman,
- 5- S. Dikshit.

ملل آسیای باختری، بعضی از آداب مذهبی را از هند اخذ کرده باشند.  
از طرف دیگر، ممکن است که این مجسمه کوچک، متعلق به یک بازرگان پیش‌هندی  
مستقر در بین‌النهرین باشد، زیرا به حسب نظر دیکشیت، همیشه بازرگانان سرزمین‌های  
باختری، بدون تردید، قرارداد منعقدی را تحت حمایت رب‌النوع‌هایی<sup>۱</sup> می‌پذیرفتند که  
به شکل «پیش‌هانومان»<sup>۲</sup> یا جانوران دیگر نمایش داده می‌شدند که تصویر آن‌ها روی  
مهرهای یافته‌شده در شهرهای بین‌النهرین حک شده است.

در خرابه‌های یک شهر سومری، ظرف تزیین‌شده‌ای را یافته‌اند. سبک تزیین آن  
کاملاً سومری است، ولی موضوع ترسیم‌شده، سرچشمه‌ای هندی دارد. زیرا تصویر گاوی  
وحشی<sup>۳</sup> را که جانوری هندی است، نشان می‌دهد که جلوی آخور مقدسی<sup>۴</sup> ایستاده است.  
تصویر مزبور یکی از موضوع‌هایی است که مهرهای پیش‌هندی، بیشتر بدان تزیین گردیده  
است. به نظر گوردون شیلده، باستان‌شناس مشهور آثار جهان باستان، صنعتکار سومری،  
بی‌شک شاهد برپا کردن آداب پرستش هندی در بین‌النهرین بوده است. هیچ تعجب‌آور  
نیست، زیرا کاروان‌ها یا دسته‌کاملی از ناوگان بازرگانان هندی، در آنجا برای بازرگانی  
می‌آمدند. بازرگانان، لافل شاید هنگام بازارهای مکاره بزرگ، ناگزیر بودند که ماهها  
برای فروش کالاهای خود و خرید کالاهای تازه، در نزد سومری‌ها بمانند. اگر ما وجود کلنی‌ای  
از بازرگانان هندی مقیم دایم، در یک شهر سومری خاص برای این منظور را بپذیریم،  
این موضوع با آنچه در روزگار ما عملی است و با آنچه که ما از بازرگانی در خاور،  
در جریان دومین هزاره پیش از میلاد می‌دانیم، کاملاً مطابقت دارد.

آنچه بیان شد، همه نتایج مبادلات فرهنگی میان تمدن‌های اولیه‌ای است که تازه  
تشکیل شده بودند. اما نکته جالب توجه، رشته‌آثاری است که فرهنگ پیش‌هندی<sup>۵</sup>  
را به فرهنگ بین‌النهرینی بسیار باستانی نزدیک می‌کنند و نمی‌توان آن‌را بر اثر اقتباس  
یا به‌طور ساده، مبادله فرهنگی توضیح داد. این آثار بیشتر گواه وجود رابطه‌ای باستانی  
و ژرف میان این فرهنگ‌ها و خلق‌کنندگان آن‌ها است. زبان دراویدی پیش‌هندی‌ها،  
معملاً با زبان اوبایی‌ها، یعنی اسلاف سومری‌ها، خویشاوندی دارد.

سری کاملی از تزیینات و علامت‌های کنده‌کاری شده روی مهرها و طلسم‌های  
پیش‌هندی، به‌طور شگفت‌انگیزی تزیینات و علامت‌های مورد استعمال به وسیله ساکنان  
باستانی بین‌النهرین و ایلام را به‌خاطر می‌آورد.

هیچ‌شک و تردیدی نیست که مهرهای مربعی شکل کشف‌شده در بین‌النهرین به‌وسیله

- 
- 1- Déites, 2- Protohanuman, 3- Zébu, 4- Auge sacrée,
  - 5- Gordon Child, 6- Protoindien.

بازرگانان پیش‌هندی به آنجا برده شده‌اند. در این حال مهرهای مریعی پیدا شده در هندوستان، گاهی موضوعات و رب‌النوع‌هایی را نشان می‌دهند که - هرچند شکل و نوشته‌های آن‌ها ثابت می‌کنند که آن‌ها در هند ساخته شده‌اند و از سومر وارد نگردیده‌اند - متفرع از میتولوژی و مذهب بین‌النهرین هستند. روی سه مهر طلسم‌دار<sup>۱</sup> پیدا شده در موهنجو-دارو، مردی را در مبارزه با دو ببر می‌توان دید. به طور عجیبی مرد مزبور، به آنکید<sup>۲</sup> - دوست و رفیق ژیلگامش<sup>۳</sup> - تهرمان یک حماسه سومری که او را در رزم با جانوران وحشی کمک می‌کند، شباهت دارد. در میان مهرهای طلسم‌دار موهنجو-دارو، مهرهایی را یافته‌اند که روی آن مرد شاخداری که قسمت پایین بدنش به شکل گاونری می‌باشد دیده می‌شود. ارنست ماکایو<sup>۴</sup> در کتاب خود به نام تمدن‌های اندوس<sup>۵</sup> می‌نویسد: «او در حال مبارزه علیه بیرشاخدار نشان داده شده و احتمالاً روح بدکاری است که به طور پیوسته علیه دشمنانش در حال مبارزه است. این موجود نیمه انسان، نیمه گاونر<sup>۶</sup>، به‌طور شگفت‌آوری به یک نیمه‌خدا یا پهلوان سومری شباهت دارد. این موضوع ظاهراً نشان می‌دهد که میان برخی اعتقادات فرهنگی آنها خویشاوندی دوری وجود داشته‌است. شاید هم سابقاً مردم کشور سومی با ساکنان سومر و دره اندوس ارتباط‌های نزدیکی داشته‌اند و واسطه میان دو فرهنگ اخیر بوده‌اند».

تنها داده‌های زبان‌شناسی و باستان‌شناسی و تاریخ مذاهب نیستند که خویشاوندی میان ساکنان اولیه بین‌النهرین و پیش‌هندی را نشان می‌دهد. مردم‌شناسی نیز این قضیه را تأیید می‌کند: بیشتر جمجمه‌های پیش‌هندی‌ها شبیه جمجمه‌های اوباییدی‌ها است.

باستان‌شناسان، در خرابه‌های موهنجو-دارو موفق به کشف مجسمه زیبایی شدند که آن را «تمثال یک پیشوای مذهبی»<sup>۷</sup> نامیده‌اند. صورت این پیشوای مذهبی از لحاظ کوچک‌ترین جزئیات نیز شبیه صورت‌های مجسمه‌های باستانی بین‌النهرین است.

بسیاری از دانشمندان و از میان آن‌ها ساموئل کرامر<sup>۸</sup> - یکی از بهترین متخصصان زبان سومری - معتقد است که فرهنگ پیش‌هندی به وسیله اوباییدی‌هایی پایه‌گذاری شده است که بین‌النهرین را ترک کردند و بر اثر تهاجم سومری‌ها در حال فرار، به دره اندوس آمده و در آنجا مستقر شدند. با وجود این، آثاری که خویشاوندی باستانی میان ساکنان بین‌النهرین و هندوستان را نشان می‌دهد، ممکن است بیانگر منشاء مشترک تمدن‌های پیش‌هندی و اوباییدی بوده و در این صورت محل و منشاء آن‌ها نه هند و نه بین‌النهرین،

1- Sceau - amulette, 2- Enkida, 3- Gilgamesh, 4- Ernest Machay, 5- Early Indus civilizations, 6- Taureau, 7- Portrait d'un prêtre, 8- Samuel Kramer .

بلکه خطه دیگری باشد .

تصور می کنند که باستانی ترین تمدن هند که آن را تمدن اندوس نامیده اند ، در جایی جز در دره این رودخانه وجود نداشته است. امروز باستانشناسان ، شهرها و شهرک های پیش هندی را در ناحیه واقع میان گنگ و جامنا<sup>۱</sup> ، در دامنه کوه های سیوالیه<sup>۲</sup> در پنجاب و در جنوب دلتای اندوس ، محلی که امروز ایالت بمبئی است ، کشف کرده اند. شایان توجه تر این که سن شهرهای جنوبی کمتر از سن موهنجودارو و مناظر دیگر دره اندوس نیست . بنابراین ، دره اندوس نیست که مهد تمدن پیش هندی بوده ، بلکه خطه دیگری بوده است که ما هنوز نمی توانیم محل آن را تعیین کنیم. همیشه در هندوستان ، موردی نبوده است که آثاری فرهنگی را کشف کنند که بدون واسطه تمدن پیش هندی به وجود آمده باشد. با آن که باستانشناسان هند و پاکستان ، فرهنگ های بسیار باستانی تری را کشف کرده اند ، باز نمی توان آن ها را به مثابه منابع تمدن موهنجودارو ، هاراپا<sup>۳</sup> و دیگر شهرهای پیش هندی دانست ، زیرا هیچگونه رابطه ژنتیکی<sup>۴</sup> با آن ها نشان نمی دهند. مسئله منشاء تمدن پیش هندی ، برای باستانشناسان ، همواره مطرح است.

**کشوری به نام عیلام** - شباهت غیر قابل بحثی که آثار تمدن های پیش هندی و بین النهرینی نشان می دهند ، شاید بشود به وسیله تعاقب داشتن آفرینندگان قدیمی ترین تمدن هند ، یعنی نخستین کشورگشایان حوزه های دجله و فرات ، به مللی که با يك دیگر خویشاوندی داشته و به زبان های دراویدی حرف می زدند و حتی هم تنها به يك ملت واحد ، توضیح داد. حتی ممکن است که زبان های دراویدی زبان مشترک ملل دیگری هم غیر از اوپاییدی ها و پیش هندی ها بوده باشد.

ناحیه ای از ایران که در خاور رودخانه دجله قرار دارد ، امروز خوزستان نامیده می شود. سابقاً ناحیه مزبور عیلام نامیده می شد و در ۵۰۰۰ سال پیش ، در آنجا تمدنی شکوفان با شهرهای بزرگ و خط و تمدن ویژه خود ، وجود داشته است . بنابر عقیده دانشمندان ، فرهنگ عیلامی<sup>۵</sup> شباهت های پرشماری با فرهنگ بین النهرینی دارد و به تمدن پیش هندی نیز بسیار نزدیک است .

عیلامی ها به زبانی می نوشتند و حرف می زدند که تا امروز نتوانسته اند رابطه آن را با هیچ يك از زبان های دیگر جهان بیابند. زبان شناسان بیهوده کوشیده اند تا خویشاوندی زبان عیلامی را با زبان های تورانی (زبان های اورالی ، آلتایی ، ترکی و مغولی) و با زبان های پرشمار قفقاز و زبان های مرده آسیای میانه (هوریت<sup>۶</sup> ، کاسیت<sup>۷</sup> و غیره) ،

- 1- Djamna, 2- Siwalih, 3- Harappa, 4- Génétique,
- 5- Elamites, 6- Hourrite, 7- Kassite.

ثابت کنند. مورخ و زبان‌شناس مشهور شوروی، ای. دیاکونوف<sup>۱</sup>، در کتاب خود به نام زبان‌های باستانی آسیای میانه می‌نویسد: «تنها فرضیه‌ای که می‌توان نگاهداشت، فرضیه وجود خویشاوندی میان زبان‌های عیلامی و دراویدی است» و مثال‌هایی ذکر می‌کند که پیوستگی زبان عیلامی را با زبان‌هایی که دراویدی‌های باستان با آن‌ها حرف می‌زدند، آشکر می‌سازند. ریشه «کتو»<sup>۲</sup> در زبان‌های دراویدی نابود شدن، تلف شدن، ویران شدن معنی می‌دهد. در زبان عیلامی، «کتو» به معنی ویران شدن است. عیلامی‌ها روز را «نان آ» می‌نامیدند. در زبان‌های دراویدی ریشه «نان» به معنی صبح، سپیده دم و روز است. ریشه «پاری»<sup>۴</sup> در زبان عیلامی، معنی رسیدن و نایل شدن<sup>۵</sup> را می‌دهد و در زبان دراویدی به معنی دویدن، فرار کردن، احتراز کردن است.

زبانی به طور طبیعی می‌تواند واژه‌های زبان دیگری را بگیرد و از طرفی ممکن است که شباهت‌هایی اتفاقی از لحاظ صدا و معنی میان زبان‌های گوناگون وجود داشته باشد (مثلاً عدد ۲ در زبان انگلیسی و زبان کاربادی<sup>۶</sup>، هر دو «تو»<sup>۷</sup> تلفظ می‌شود، در صورتی که هیچ‌گونه خویشاوندی، میان این دو زبان وجود ندارد). با وجود این، بسیار جالب توجه است که نقاط مشترک بسیاری در ساختار دستور زبان‌های عیلامی و دراویدی وجود دارد که مسلماً نمی‌تواند یکی از دیگری گرفته باشد، بلکه بیشتر بیانگر یک خویشاوندی باستانی یا یک تماس دراز مدتی است که میان مردمانی که به این دو زبان حرف می‌زده‌اند، بوده است. آهنگ تلفظ<sup>۸</sup>، مانند شکل‌شناسی<sup>۹</sup> عیلامی، خویشاوندی آن را با زبان‌های دراویدی تصریح می‌کند. ضمیرهای آن‌ها به قسمی با یکدیگر نزدیک است که به عقیده ای. دیاکونوف، ممکن است با «مطابقت کامل» حرف زد. ای. دیاکونوف به کمک عناصری که نشان‌دهنده خویشاوندی، میان زبان‌های عیلامی و دراویدی است به نشر این فرضیه پرداخت که: «قبیله‌های متکلم به زبان‌های نزدیک به زبان‌های عیلامی و دراویدی، در درازای هزاره چهارم و سوم پیش از میلاد و شاید هم دیرتر، همه سرزمین ایران و یا دست کم، بخش جنوبی آن را اشغال کرده بودند. به این موضوع می‌توان افزود که آثار نام‌گذاری (توپونومیک) دراویدی، در شبه جزیره عربستان نیز کشف گردیده است (با این که نمی‌توان تاریخ آن‌ها را تعیین کرد) و آثار اختلاط نژاد<sup>۱۰</sup> دراویدی (جنوب‌هند)، بنابر مشاهدات بعضی ویژه کاران<sup>۱۱</sup>، در بسیاری از استان‌های جنوب ایران نیز پیدا شده است». سرانجام دراویدهای سیاه پوست و دیگر

1- I. Diakonov, 2- Ketou, 3- Nane 4- Pari, 5- Arrivør à, Atteindre, 6- Karbade, 7- Tou, 8- Phonétique, 9- Morphologie, 10- Métissage, 11- Spécialistes.

مللی که از لحاظ نژاد و زبان به آن‌ها نزدیک بودند، مدت زیادی در ایران باقی ماندند، یا در مللی که بعدها به این سرزمین آمدند، تحلیل رفتند. هرودت<sup>۱</sup> در سده پنجم پیش از میلاد، هنوز ساکنان بلوچستان - سرزمینی واقع میان هند و عیلام - را «حیشه‌ای‌های آسیا<sup>۲</sup>» (یعنی سیاهان آسیا) می‌نامد و این می‌رساند که مردمانی با پوست سیاه، تقریباً در ۲۵۰۰ سال پیش، در ناحیه واقع میان پرس<sup>۳</sup> و هند ساکن بوده‌اند.

عیلامی و اوباییدی<sup>۴</sup>، محتملاً بسیار زود از «زبان مادری» در اویدی<sup>۵</sup> جدا شدند. این موضوع را بعضی از آثار شباهت و عدم شباهت موجود، میان این زبان‌ها توضیح می‌دهد. ترجمه دیگری نیز امکان‌پذیر است. زبان در اویدی مثل زبان اوباییدی‌ها - اجداد سومری‌ها - و زبان عیلامی‌ها، همه دارای منشأ باستانی تری هستند که این زبان‌ها از آن مشتق گردیده‌اند.

بیشتر متن‌های زبان عیلامی که به دست ما رسیده است، به خط میخی است که به وسیله ساکنان عیلام، از همسایگان باختری خود، آکادی‌ها<sup>۶</sup> و سومری‌ها در اواسط هزاره سوم پیش از میلاد، اقتباس شده است. عیلامی‌ها تا این زمان، از خطی تصویری استفاده می‌کردند. پیش از این عیلامی‌ها خطی بر اساس ایدئوگرام<sup>۷</sup>ها، که پیش عیلامی نامیده شده است، داشته‌اند.

رمز خواندن خط پیش عیلامی هنوز کشف نشده است، ولی به نظر می‌رسد که عیلامی آن‌ها نزدیک به رسم الخط<sup>۸</sup> ساکنان باستانی تر بین‌النهرین یعنی پیش سومری باشد. عیلامی‌ها نیز روی لوحه‌هایی سفالی می‌نوشتند و عیلامی شکلی خطی همانند داشتند و به نظر می‌رسد که این نوشتارها، همگی مانند نوشتارهای پیش سومری، مربوط به حساب‌ها و آمارهای اقتصادی باشند.

سومین «پیش خط<sup>۹</sup>» آثاری را نشان می‌دهد که به عیلامی پیش سومری، یعنی نوشتار-هایی که در هاراپا، موهنجودارو و دیگر شهرهای باستانی هندوستان کشف شده‌اند، شباهت دارد. به طوری که پژوهش‌های پژوهشگر شوروی، و ایمن<sup>۱۰</sup> ثابت کرده است، متن‌های باستانی تر بین‌النهرین، به زبان سومری نوشته شده‌اند (هرچند که نخستین ساکنان دره دجله و فرات، همان طور که به خاطر داریم اوباییدی‌ها بوده‌اند و نه سومری‌ها و به زبانی حرف می‌زدند که شاید نزدیک به زبان در اویدی بوده‌است). زبان متن پیش عیلامی،

- 1- Hérodote, 2- Ethiopiens d'Asie, 3- Perse, 4- Oubaïdien,
- 5- Langue-mère dravidienne, 6- Akkadiens, 7- Idéogrammes,
- 8- Graphie, 9- Protoécriture 10- Weimann.

احتمالاً بسیار به شکل باستانی‌تر عیلامی، یعنی زبانی متفاوت با زبان نوشتارهای پیش‌سومری است. متن‌های پیش‌هندی، به زبان دراویدی نوشته شده‌اند و نه به زبان سومری یا به زبان عیلامی. به قسمی که خط پیش‌سومری را نمی‌توان به عنوان کلید، برای کشف خط‌های هندوستان و عیلام، مورد استفاده قرارداد (خود خط پیش‌سومری، هم‌هنوز کاملاً کشف نشده است؛ دانشمندان معنی ۲۵۰ علامت را از ۸۰۰ علامتی که این خط دارد، تعیین کرده‌اند). و با وجود این، شباهت میان علامت‌های سه پیش‌خط، فکر منشاء مشترکی را تقویت می‌کند. میان عیلامی‌های پیش‌سومری، پیش‌عیلامی و پیش‌هندی می‌توان نوعی زمینه مشترکی را که از عیلام متشابه تشکیل شده باشد، تعیین کرد.

زبان‌دانان و متخصصان (ویژه کاران) توپونیمی<sup>۱</sup> که نام‌های جغرافیایی را تحقیق می‌کنند، برای تعیین زبان‌ها یا نام جغرافیایی باستانی، اصطلاح «سوبسترا» را به‌کار می‌برند و آن را جلوی زبان یا نام جغرافیایی که موضوع مطالعه آن‌ها است قرار می‌دهند. در این جا هم، هنگامی که علامت‌های مربوط به خط‌های باستانی را بررسی می‌کنیم، از يك «سوبسترا»، یعنی سیستم اولیه پیکتوگرام‌های<sup>۲</sup> مقدم بر آفرینش خط‌های پیش‌سومری، پیش‌عیلامی و پیش‌هندی، صحبت می‌نماییم. با توجه به این که متن‌های پیش‌سومری، باستانی‌تر هستند و ساکنان نخستین بین‌النهرین، یعنی آن‌هایی که پیش‌از سومری‌ها در آن جا سکونت داشتند، اوباییدی‌ها بوده‌اند، می‌توانیم سیستم خط باستانی‌تر را با عبارت «اوباییدی» مشخص سازیم. (در واقع هنوز سیستمی از خط، به معنی حقیقی خط نبوده، بلکه عبارتی است به وسیله نقش‌ها، یعنی پیکتوگرافی‌ای که بر شکل‌های قدیمی‌تر خط مقدم است). این سیستم در بین‌النهرین، پیش‌از ورود سومری‌ها وجود داشته است، و سومری‌ها پس از پذیرفتن و تکمیل آن، خطی پیش‌سومری ایجاد کردند (به همین نحو چیزهای دیگری را که از تمدن اوباییدی‌ها، چه در زمینه مادی و چه در زمینه فکری، گرفته بودند تکمیل کردند).

احتمالاً در هندوستان و در عیلام هم همین‌طور بوده است. در این صورت، شباهت میان خط‌های پیش‌هندی، پیش‌سومری و پیش‌عیلامی از روی منشاء دراویدی آن‌ها توضیح داده می‌شود. در نتیجه بسیار محتمل است که در آن جا زبان اوباییدی‌ها، مثل زبان عیلامی و زبان آفرینندگان تمدن پیش‌هندی، باهم خویشی داشته باشند. در این مورد، يك زبان مادر که دراویدی باشد، در زمانی دور، وجود داشته است. عیلام بیان‌کننده فکر اوباییدی‌ها، پیش‌هندی‌ها و عیلامی‌ها، از این زبان - مادر که زبان مادر دراویدی باستانی باشد مشتق گردیده است.

1- Toponymie, 2- Substrat, 4- Pictogrammes.